



ہشت سوال

یکے از تصنیفات

علامہ نصیر الدین نصیر ہونزائی

مترجم

فدا حسین

شائع کردہ

خانہ حکمت – ادارہ عارف

ہشت سوال

یکے از تصنیفات

علامہ نصیر الدین نصیر ہونزائی

ریسرچ ایسوسی ایٹ یونیورسٹی آف مونٹریال - کینیڈا

مترجم: فردا حسین

شائع کردہ

خانہ حکمت • ادارہ عارف

۱۷- بی، نور ویلا

۲۶۹- گارڈن ویسٹ

کراچی - ۳ (پاکستان)

فہرست مضامین

| صفحہ | مضمون | نمبر شمار |
|------|---------------------------------------|-----------|
| ۴ | پیش گفتار | ۱ |
| ۸ | سوال ۱: پیشوائی زنان در دعوت | ۲ |
| ۱۰ | سوال ۲: تدر و نذورات در جامعہ عثمانیہ | ۳ |
| ۱۱ | سوال ۳: جماعت عثمانیہ و غیر اسماعیلی | ۴ |
| ۱۳ | سوال ۴: جاتی سکونت امام | ۵ |
| ۱۸ | سوال ۵: زکوٰۃ | ۶ |
| ۲۰ | سوال ۶: رسوم مذہبی | ۷ |
| ۲۲ | سوال ۷: صلوٰۃ | ۸ |
| ۲۶ | سوال ۸: عبادت مرد و زن در یک جا | ۹ |
| ۲۷ | در جاست اسلام | ۱۰ |

پیش گفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلَاةُ
 وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِهِ وَعَلٰی اٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ۔

پیش اہل دانش این حقیقت چون روز روشن واضح و آشکار است
 کہ مجملہ موضوعاتیکہ بعلم تعلق دارد در دین شناسی و امام شناسی مشمول است
 بنا برین شناخت دین و شناخت امام در مذہب اسماعیلی امری است
 خیلی ضروری کہ بدون آن هیچ اسماعیلی ای طمانیت حقیقی نمی یابد۔
 این علم و معرفت است کہ بوسیله آن مسائل و مشکلات حل می شود و
 تشویش و شبهات برطرف میگردد، نور ایمان می افروزاید و جان و دل تسکین
 می یابد، این علم و معرفت است کہ از ان در وجود مومن صفات عالیہ،
 چون ادا العزمی و علو ہمت پیدا می گردد۔ الغرض علم و معرفت بر ہمہ چیز
 محیط است۔

سؤال کے پیدا می شود؟ وقتی کہ از (مذہب) یک دیگر آگاہی

نباشد یعنی دقتیکه علم و معرفت منزهیب نباشد، و دقتیکه کتب دینی در دسترس نباشد و توجیهی بر علم دین نباشد. بهر حال اگر سوالها پیدای شود چنین نیست که جوابهای آنها ممکن نباشد، بلکه الحمد للهِ می توانیم بهر سوالی جوابی باصواب دهیم. البته این ضروری است که جواب هر چه باشد بر حق و صداقت مبنی باشد و الا از آن سودی عاید نشود. بنابراین مادرین کتابچه جواب چنین هشت سوالی را که یکی از شاگردان مادر مورد حقایق است اسماعیلیت از ما پرسیده بود داده ایم و این فرض است بر ما که وقتی که کسی برای کاری و خدمتی بر اعتماد نماید. در آن بگوئیم و در تمام آن از باری تعالی توفیق و یاری خواهیم.

بعقیده من در مورد حقایق اسماعیلیت هیچ سوالی نیست که جوابش مشکل باشد، اگر هزارها سوال هم که باشد جواب دادن آنها برای ما مشکل نیست چرا که ما می توانیم ثابت کنیم و بنمائیم که تمام سوالهایی که در باره دین اسماعیلی پرسیده می شود با هم پیوسته شکل یک درخت بزرگ را بنمود میگیرد، لذا ما را بدین اینکه از شاخهای کوچک درخت یعنی جزئیات و فروعش بحث کنیم از تنه و شاخهای بزرگ (یعنی از اصول و ارکان) اش بحث کرده می توانیم جواب همه سوالها را بدیم و ثابت کنیم که مذهب اسماعیلی و امام زمان بر حق است. بعبارت دیگر برای دانستن حقایق اسماعیلیت برای اهل دانش تنها این سوال اساسی است که پرسیده شود که ثبوت حقایق امام چیست؟ چرا که سوالهای دیگری که بجهت مذهب اسماعیلی تعلق دارد تحت این سوال اساسی می آید، ولی عامه مردم این ترتیب را کجا در نظر میگیرند، هر چه در دل

شان آید و هر چه می خواهند می پرسند.

بلاشک ما اسماعیلیان را باید که همواره روی توجیه سوی امام زمان نمایم که امام زمان چه می خواهند و یا هدایت صریح شان چیست؟ و اگر مبتدای کار را بر این اصول قرار دهیم می توانیم علم دین را فروغ دهیم (دیگر) باید دانست که جواب سؤال خواه بطور مستقیم و یا بطور غیر مستقیم بهر کیفی لازم است و باید داده شود و الا ممکن است که در بعضی از طبقات جماعت با مخصوص نسل جوان بددی و سؤ تفاهیم پیش آید و عقائدشان متاثر گردد. اگر نایند و توفیق ایزدی شامل حال باشد در آینده هم کوشش خواهیم کرد که بهر گونه که ممکن باشد در رفع شکوک و شبهات می نمایم.

فقط:

خادم علمی جماعت

نصیرالدین نصیر هونزائی

۲۴ دسامبر ۱۹۶۷

هشت سوال

- ۱- چرا در جماعت خانه بعضی اوقات زنان و دختران در دعای پیشانی مردان میکنند در صورتیکه در شریعت چنین مثالی وجود ندارد.
- ۲- چرا در جماعت خانه بنام مجالس مختلف در مواقع جداگانه از جماعت پول میگیرند، و حال آنکه آن خانه خدا است و باید در آنجا فقط پرستش خدا باشد.
- ۳- وقتی که کسی از برادران مسلمان غیر اسماعیلی می خواهد که در جماعت خانه بیاید چرا اجازه ورود با او داده نمی شود؟
- ۴- شاه کریم شما چگونه میتواند امام برحق ثابت باشد در حالیکه ایشان در اردو پانزدهگی عربی دارند؟
- ۵- چرا زکاة شما از زکاة شرعی مختلف است؟ چرا آن مستقیماً بین فقراء و مساکین تقسیم کرده نمی شود و آنرا جمع کرده امام می دهند.
- ۶- تا چه حد رسومات دینی شما درست و صحیح است؟ علی الخصوص نادی؟
- ۷- تا چه اندازه مذهب اسماعیلی بر صلاة عمل میکند؟ و نزد ایشان مفهوم صلاة چیست؟
- ۸- چرا در جماعت خانه مرد و زن با هم عبادت میکنند؟

پیشوائی و زنان در دعا

سوال: چه در جماعت خانه بعضی اوقات زنان و دختران در دعاء پیشوائی و نماز میکنند در صورتیکه

در شریعت چنان مثالی وجود ندارد؟

جواب: (ا) مثال اسلام یا دین حق چون صراط مستقیم یا راه راست است که معین است برای رفتن بسوی خدائے تعالی چون دین حق مشابه راهی است لا بصرم این راه منازلی چند هم دارد که آنها را شریعت طریقت حقیقت و معرفت گویند. چنانچه جماعت خانه و آداب و رسوم جماعت خانه مثالی است روشن ازین ارتقا و از منزلی بمنزلی دیگر در راه اسلام، بطوریکه تصوف ثبوتی است بین از ارتقائی اسلام - در مسلک صوفیاء بطوری که ظاهراً است هزاران چیز وجود دارد که در شریعت وجود ندارد البته نباید هم وجود داشته باشد چونکه اینها تعلق به طریقت دارد - همین طور آداب و رسوم جماعت خانه تعلق به حقیقت دارد، لذا این آداب و رسوم جماعت خانه را در معیاری غیر از معیار حقیقت سنجیدن سراسر خطا و جهل است -

(ب) اگر در مقام شریعت زن نمی تواند که در نماز شرعی پیشوائی مردان

کند، این تاویلی دارد و غیر از تاویل ظاهراً سبب دیگری نیست - اما برخلاف این هر عبادت و بندگی ای که در جماعت بجا آورده می شود تاویل ندارد بلکه خودش تاویل است لذا در جماعت خانه زن میتواند در دعاء پیشوائی مردان کند -

اگر پرسند که تاویل بجائز نبودن پیشوائی زن در نماز شرعی چیست؟

جواب این است که در دین حضرت پیغمبر بر مقام مرد است و جمله افراد

اُمت بر مقام زن، نیز امام عالی مقام مرد است و جنگی مریدان زنان، همین طور استاد مرد است و شاگرد زن. لذا تأویل پیشوائی یکی از زنان در نماز شرعی چنان باشد که نعوذ باللّٰه رسول را باید که اُمت شود و اقتدا کند و اُمت را باید که سنجید شود و پیشوائی کند، امام را باید مریدی اختیار کند و مریدان بجائی امام گیرند، نیز استاد شاگرد شود و شاگرد استادی کند. چون این تأویل از امری غیر ممکن نشان میدهد، لذا زن نمی تواند در نماز شرعی پیشوائی مردان کند، و لے در معصوم حقیقت چنین تأویلی وجود ندارد لذا زن میتواند پیشوائی مردان کرد.

(ج) اسلام در حقیقت متضمن تعلیمات و ارشادات قرآن مجید و معلم قرآن است، و عملاً از مدارج مختلف این تعلیمات و ارشادات را طی کردن بر صراطِ مستقیم رفتن است و گذشتن از منزلی بمنزل دیگر. چنانچه درین معنی عبارت دیگر مای تو انیم گفت که اسلام با اعتبار مراتب علم و عمل خود چون دانشگاهی است که در آن مراتب بسیاری است از علم و عمل، اکنون ازین مثال روشن است که برای این همه مراتب علمی و عملی دین اسلام معاییر مختلف معین شده است. لذا میگوئیم که سنجیدن رسوم مذہب اسماعیلی بر معیار غیر اسماعیلی نمی تواند بر هیچ وقت درست و صحیح باشد.

(د) اگر اسلام صراطِ مستقیم است باید قبول کرد که فرق مسلمین یا جماعت های مسلمان از پس یکدیگر چون مسافران هستند پراکنده

در منازل مختلف یک راه، یا اگر دین حق بیون ریسمانی است بین خداوندگان و
 بندگان خدا برای گرفتن این ریسمان در درجات مختلف اند- در حالیکه درجات
 صعود بسوی رفعت لای معرفت خدا با نردبانی مقایسه شده (۳، ۴، ۵) از آن
 میتوان استنباط کرد که اهل مذاهیب مختلف هر کدام در مرحله ای یا پله ای از
 نردبان هستند، و از بهیتهی که دین بین اسلام را میتوان بصورت باداشگاهی
 بزرگ مقایسه کرد از انجهت بیرونش در درجات مختلف علم و عمل اند و از بهیتهی
 که دین را تشبیه به خلقت انسانی در مراحل مختلف زندگانی کرده اند از انجهت
 هم مردم در درجات مختلف اند بطوریکه مراحل خلقت انسانی و زندگانی
 او مختلف است، یعنی بعضی چون جنین اند اندر شکم مادر، بعضی چون طفیل نوزاد،
 بعضی چون طفل شیرخوار، بعضی چون طفل مکاتب، بعضی چون نوجوان، بعضی جوان
 بالغ سی ساله، بعضی چون چهل ساله و بعضی هستند که عمرشان بیشتر ازین است مقصود
 ازین مثال اینست که اسلام دین فطرت است و آن چون انسانی بتدریج بدرجه
 کمال می رسد- الحقیقه تعلیمات و هدایات اسلام در درجات مختلف است- لذا
 ایراد کسی بر کسی دیگر ناشی از ناآگاهی اندراج تعلیمات اسلام است-

سوال ۲: چرا در جماعت خانه
 تمام مجالس مختلف در در نذر و نذورات در جماعت خانه
 مواقع جداگانه از جماعت پول میگیرند و حال آنکه آن خانه خدا است
 و باید در آنجا فقط پرستش خدا باشد-

جواب: (۱) این درست است که جماعت خانه باشد یا

مسجد، چیزی که تعلق بدینا دارد چون تجارت و غیره در آنجا جایز نیست؛ ولی زکوة، صدقه و نذر و نذورات مالی هرگونه و کارهای نیکوی دیگر چنان است که انجام دادن آنها در خانه خدا موجب ثواب بیشتری باشد. بطوری که خدای تعالی میفرماید: **وَ اذْجَعَلْنَا الْمَبِیتَ مُثَابَةً لِّلْمَسَاجِدِ وَ اٰمِنًا**، یعنی دای رسول بیاد آر آن وقت، هنگامیکه ما خانه کعبه را بجای ثواب و امن مسترار دادیم (۱۲۵) ازین بطور روشن ظاهراست که خانه خدا مثابه است یعنی جای هرگونه ثواب - و نخستین خانه خدا کعبه است؛ سپس مسجد و بعد از آن جماعت خانه، پس اگر خانه خدا خود مرکز ثواب است چرا نباید که بیشتر کارهای نیکو آنجا انجام داده شود، در صورتیکه ایتهای کارهای خود خداست، از عبادات است و از نذر و نذورات مثل و از اعمال صالحه، چنانکه این کارها در خانه خدا پیش همگان انجام داده آید تا کسی را که کار نیکو میکند دعاهای همگی شامل شود و علاوه ازین این تعلیمی است عملی که از دیدن آن افراد دیگر جماعت برای چنین نذر و نذورات در خود اشتیاق پیدا کنند، به همین سبب بود که در عهد مبارک آنحضرت^ص بیشتر قربانیهای مالی در مسجد انجام داده می شد.

سوال ۳: وقتیکه کسی از برادران جماعت خانه و غنیمت اسماعیلی | مسلمان غیر اسماعیلی میخواهد که

در جماعت خانه بیاید چرا اجازه ورود با داده نمی شود؟
جواب ۱) برای جواب مفصل این سوال رجوع کنید به یکاز

مقالات من بعنوان "اسلام کی بنیادی حقیقتیں یعنی حقائق اساسی اسلام" کہ در کتاب "پنج مقالہ" چاپ خواہد شد۔ علاوہ بریں کسی از برادران مسلمان غیر اسماعیلی کہ میخواہد بہ جماعت بیاید آیا ممکن است کہ شدائد و آداب و رسوم جماعت خانہ را چنان بجا آورد کہ یک اسماعیلی بجای آورد؟ اگر این برای او ممکن نیست آمدنش بجاعت خانہ سودی ندارد لہذا تیا مدنش بہتر است۔

(ب) در دین اسلام بعضی از بناہای مقدس در بین ہمہ مسلمانان مشترک است و بعضی مخصوص، بناہای مقدسی کہ مشترک است نخستین از ہمہ خانہ کعبہ است و بعد از آن مسجد، چرا کہ این بناہا از آن زمان است کہ مسلمانان متحد بودند، با این ہمہ در بعضی جاہا مساجد ہم بہ سبب آراء مختلف مخصوص بجاعت ہای جداگانہ می شود، ہمینطور بلکہ بیشتر ازین خانقاہ ہا، امام بارہ ہا و جماعت خانہ ہا مخصوص بجاعت ہای است کہ احترام این بناہا را فقط آنان بجای آوردند کہ اساساً از لحاظ عقیدہ با این جماعت ہا وابستہ اند و نہ کسی دیگر۔

(ج) مراد از مسجد جای سجده و محل عبادت است لہذا لفظ مسجد از جملگی مسلمانان تقاضا میکند کہ آنجا روند و بحضور خدا تعالی سرفروہ آرند و عبادت کنند، ولی در لفظ جماعت خانہ مفہوم و مطلب عبادت عیان نیست بلکہ نہاں است، چرا کہ این جماعت خانہ است یعنی خانہ جماعت کہ برای ہمگان نیست بلکہ مخصوص بجاعتی است بطوریکہ در لفظ خانقاہ

همین فلسفه مضمراست که خانقاه معرب خانگاہ (خانہ گاہ) است و معنی خانگاہ جای سکونت صوفیان و درویشان است که در آن مفهوم عبادت را پوشیده داشته اند، اگر می خواستند بسهولت تمام می توانستند چنین نامی را انتخاب نمایند که ازان معنی عبادت و بندگی فی القورعین گردد. ولی عمداً چنان نکردند چرا که آنجا دادن تعلیمات اسلام بر طبق نظریات و توضیحات مخصوص پیری طریقت مقصود بود و عبادت و بندگی و ریاضت بر منوال آن طریقت کردنی و لذا آن خانقاه هم فقط برای مریدان همان پیر یا شیخ مخصوص بود. و همین مثال مثال جماعت خانہ هم هست، جماعتخانہ در ابتداء همین خانقاه بود، بطوریکه از تذکره صوفیاء در باره "جماعتخانہ" خواجہ بختیار کاکی؟ معلوم می شود. ازان بعد جماعتخانہ را در مذهب اسماعیلی هم اختیار کردند. این واقعه تاریخی ازین حقیقت نشان میدهد که از باطن شریعت طریقت پیدای شود و از باطن طریقت حقیقت. و خلاصه کلام اینست که جماعت خانہ فقط برای مریدان امام حاضر مخصوص است.

سؤال ۴ - شاه کریم شما چگونه میتواند امام
جای سکونت امام

برحق ثابت باشد در حالیکه ایشان در

اروپا زندگی غربی دارند؟

جواب: (۱) باید که این سؤال اساسی شما باشد تا از جواب

این یک سؤال اثبات یا نفی حقانیت امام ظاهر گردد و تمام بحث

از بین رود، چرا که اگر حقانیت امام ثابت شد، هیچکس حق ندارد که بر امام
بر حق اعتراض کند و اگر این ثابت نشد چرا زحمت سؤالات دیگر
باید کشید چرا که من عین بحث از بین می رود مگر اینجا مکرر سؤالاتها شده
است، بهر حال سؤال شما چنان است که اگر ما ثابت کردیم که سکونت
امام در اروپا جائز و روا است شما شاه حکیم الحسینی را امام بر حق خواهید
داشت - آیا همین نیست مفاد و معنی سؤال شما؟

(ب) اگر بزعم شما طریق معاشرت غرب خلاف اسلام است
می بایست که شما بر ای اثبات آن آن حکم شرعی نشان دهید که
بر اساس آن شما روا داشتید که این سؤال را بکنید اکنون هم
جواب این سؤال بر شما باقی است که آیا در مستد آن حکم آیتی
چنین وجود دارد که آن از طریق معاشرت اسلامی در عصر حاضر و از
لوازم اشکال معینی نشان میدهد؟ و اگر چنین نیست، آیا کسی
میتواند از مستد آن ثابت کند که مسلمانان را باید حالا هم بعینه چنان
زندگی کنند که در زمان نبوت میکردند یعنی در خانه ها و نیمه های آن زمان
اقامت گزینند، غذاهای که میخورند، لباسهای که می پوشیدند و طویکه
در معاشرت زندگانی میکردند بعینه چنان کنند - ظاهراً است که اثبات
چنین امری از مستد آن به کنار، عقل سلیم هم این را قبول نمی کند.

(ج) در زمینه سؤال شما هیچ منطلق خاصی وجود ندارد غیر از نیکه قیاس شما
بر اوضاع مادی مسلمانان عهد نبوت همین است در حالیکه آن آغاز دین حق بود

و پیشرفت اقتصادی و معاشرتی اسلام که در تمام دور محمدی شدنی بود ممکن
 نبود که جملگی آن فقط در حدود ۲۳ سال باشد. الغرض بزرگم شما باید که همان اد
 ضایع مادی که در وقت ظهور اسلام در عرب حکم فرما بود حالا هم باشد. ولی
 جای تأسف است که مخالفت این زعم شما بیشتر از همه خود مسلمانان عز
 هم میکنند، چرا که امروز حالت مادی ایشان با زمان ظهور اسلام قابل مقایسه
 نیست. علاوه برین این زعم شما فی نفسه خیلی خطرناک است، چرا که شما
 نمی خواهید که مسلمانان از لحاظ دنیوی پیشرفت کنند تا حدیکه فی الوقت
 در عالم اسلام بیج کشته شاه، پادشاه، حاکم، قائد، سربراه، امیر و
 بیچکس از مردم مرفه الحال نمی تواند که از اعتراض شما مستثنی باشد
 و نه بیج امیدشیش رفت در آیندی ماند، لہذا ما را باید که درین باره
 قرآن مقدس را ببینیم که چه می فرماید، چنانچه ارشاد است:
 قل من حرم زینة الله ... يوم القيامة یعنی بگو
 کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و
 از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده، بگو این نعمت ها در دنیا برای
 اهل ایمان است و خالص اینها دنیوی تر از اینها در دور قیامت بر آنان خواهد بود (۳۷)
 ازین حکم شرعی بطور واضح این حقیقت روشن شد که سؤال شما اساسی ندارد،
 در حالیکه زینت ها و اشیائی پاک و پاکیزه از رزق و روزی که خدا آفریده
 است برای بندگان اوست و در دور قیامت بطور خاص این چیزها
 برای مؤمنین خواهد شد. پس این حقیقت ثابت شد که حضرت مولانا

شاه کریم الحسینی امام برحق اند و با طرز معاشرت خود این مزده می دهند که وعد
ای که خدای تعالی در آیت مذکوره بالا برای بندگان خود کرده است
عنقریب بوقوع می پیوندد.

(۵) شاه کریم الحسینی صلوات اللہ علیہ امام برحق اند و در ثبوت
این امر عظیم ما هزار بار بیان داریم که آن را هیچ فرد حقیقت پسند انکار
نمی تواند کرد. درین مورد باید که شما موضوعاتی که تعلق با ثبات امامت
دارد در کتب اسماعیلی مطالعه فرمائید. علاوه بر آن اینجا هم بگوش هوش
بشنوید که در اسلام تصور خلافت یک حقیقت مسلم است و این از اعتقاد
ما است که خلیفه خدا و رسول دائماً در دنیا موجود است و آن خلیفه امر
نور مولانا شاه کریم الحسینی است. اگر رد این حقیقت ممکن است کسی
باید بگوید که نه خلیفه خدا و رسول در خاندان فلان فلان شخص است
که فی الوقت او در اروپا نیست بلکه در فلان و فلان جای هست و یا
گوید که در اسلام هیچ تصور خلافت نیست و یا گوید که خلافت در ابتدا وجود
واقعی داشت. ولی بعداً خداوند عالم بموجب حکم تدریجی آن را در دست
خود گرفت و یا این را خاتمه داد، ظاهراً است چنین ردی ناممکن است، لذا باید
قبول کرد که شاه کریم امام حاضر اند.

(۶) میگویم که مولانا شاه کریم الحسینی امام برحق اند از این جهت
که ایشان از جانب خدا نور هدایت اند، اگر رد این حقیقت ممکن است
کسی گوید که نه نور هدایت و شمع ولایت درین وقت فلان حضرت اند که ایشان

برای اشاعت و ترویج دین اسلام فقر و فاقه را شیوه خود ساخته اند و از پیشرفت دنیوی می‌گزینند، سلسله نسب ایشان به رسول خدا می‌رسد و آباد اجدادشان هم در عصر و زمان خود به منصب نور هدایت خدای قائل بودند، یقین دارم که چنین ردی محال است. پس ظاهراً است که درین وقت فقط شاه کریم جانشین حقیقی سلسله امامت و امام برحق اند و غیر از ایشان کسی دیگر برین منصب قائل نیست.

(۹) در دنیا چنین مردمی که دعوی دروغین برای منصب بزرگی در دین میکنند کم نیستند و درین دعوی بعضی اوقات برای مدتی کامیاب هم می‌شوند ولی باید دانست که باطل نمی‌تواند برای مدتی طویل برقرار ماند، لذا باطل نابود می‌شود ولی حق دائماً برقرار می‌ماند. چنانچه ببینید در قرآن:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا يَبِينُ
 و (ای رسول) بگو که حق آمد و باطل نابود شد که باطل خود لایق محو و نابودی است (۱۳)

در این آیه کریمه بزرگان حکمت فرموده شده است که خلافت الهیه و امامت عالییه ای که بر رسول اکرم حاصل بود حق بود؛ لهذا آن در دنیا دائماً برقرار نخواهد ماند و حضور درین صورت و درین معنی از جانب خدا نور هدایت بودند و نور سراسر حق است و حق ابداً برقرار می‌ماند. اگر حقیقت اینست، پس کجاست آن حق یعنی آن نور هدایت غیر از امام حق که شاه کریم الحسینی اند، ازین جهت فرموده شده است که نور با وجودیکه مخالفین

میگوشتند که بکشند کشته نمی شود چرا که نورسختی است باطل نیست در اثبات حقانیت مولای من ازین دلیل روشن که ایشان از جانب خدا سرچشمه هدایت اند چه دلیل دیگری باید وجود چنین سرچشمه ای در مرکز هدایتی در اسلام حق و ثابت است در زمان خود آنحضرت و بعد از ایشان.

سؤال ۵: چرا زکوة شتاء از زکوة شرعی مختلف است؟ چرا آن مستقما
زکوة بین فقراء و مساکین تقسیم نمی شود و آنرا جمع کرده به امام میدهند؟
 جواب: (ا) من در ابتداء این کتابچه در جواب سوال علی ثابت کرده ام که در میان شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت تفاوت است ولی مقصد غائی این همه یکی است، چنانچه اگر عاقلی بنظر دقت بشکود بطور واضح عیان گردد که معنی (روح) و مقصد غائی زکوة که باید در اسلام بدرجه کمال برسد در مذهب اسماعیلی کلمه موجود است.

(ب) میگویم که طریقی زکوة در مذهب ما علین مطابق مقتضا و مقصد غائی روح اسلام است و فقراء و مساکین بقدریکه در مذهب ما از زکوة مستفید می شوند، هیچ جای دیگری نمی شوند، و امام اگر بیک اعتبار زکوة میگیرند از اعتبار دیگر نمیگیرند چنانچه مزیت برجسته در طریقی زکوة مذهب اسماعیلی اینست که این مطابق احوال متبدل زمانه کار میکنند یعنی در هر زمانه و هر ملک هر چه مقتضای زمان و مکان باشد بر طبق آن کار میکنند و معنی بیشتر استفاده کردن محتاجان از طریقی زکوة ما اینست که درین طریقی بجای اینکه یک وعده غذا یا تکه لباس یا نشان داده شود یا مبلغی پول جنس بین ایشان تقسیم شود سعی می شود

که از بین شان رسوائی افلاس و تکبرت جهل و نادانی و بیکاری و بی هنری را از
 پنج دین بریده ایشان برای همیشه از دولت لازوال علم و هنر مستغنی کنند بیدیهی
 است که برای بدست آوردن این مقصد تأسیس مؤسسات آموزشی
 و بهداشتی و اقتصادی و غیره ضروری است (و برای تأسیس و بقای
 این مؤسسات تمرکز جمع آوری زکوة) بنا برین تحت سرپرستی و هدایت
 امام زمان جمع آوری زکوة کرده می شود، پس اینست معنی اینکه گفته
 بودم که امام به یک اعتبار زکوة میگیرند و به اعتبار دیگر نمی گیرند؛ پس
 گرفتن زکوة امام از جماعت باین معنی است که امام سرپرستی نظام
 جمع آوری زکوة میکنند، دعای فرمایند و با رهنمائی خود مخارج و تأسیس این مؤسسات
 را تأیید می کنند و هدایات می فرستد مایند.

(ج) فلسفه موافقت و اتحاد مذہب هم همین را گوید که نیروی زکوة
 باید از پراگندگی و انتشار محفوظ شود، یک جا جمع باشد و بر حسب هدایت
 هادی برحق مستعمل شود. چنانچه در مذہب اسماعیلی همین می شود.

در زمانه گذشته به کارهای ثواب که در آن زمان ضروری بود تزج
 داده می شد، مثلاً غلامان و کینزان را خریدن و آزاد کردن، به یتیمان
 و فقراء و محتاجان خوراندن و لباس دادن و غیره. اکنون بیش از پیش
 ثواب در اینست که مردم مفلس و مجبور را که از هر طبقه که باشد از دولت
 لازوال علم و هنر مستغنی کنند و برای فلاح و بهبود دینی و دنیوی مؤسسات
 برپا کنند تا بر پیشرفت و رفاه عالی ملک و ملت افزودند و روح عالمگیر

اسلام تقویت و مدد یابد. امام عالی مقام مطابق همین مقصود اسلام زکوة را بکاری
برند.

سؤال ۶: رسومات مذهبی شما تا چه اندازه درست و
صحیح است، علی الخصوص ناندی؟

جواب (ا) در باره صحت و درستی رسومات مذهبی ما میتوانیم
دلائل بسیاری عرضه کنیم ولی اینجا فقط بر چند نکات اکتفا میکنیم. درین
زمینه پیش از همه این باید دانست که بیشتر چیزهای اصلی و گرانبها دینی
و دنیوی چنان است که وجود و قیام آنها بر چیزهای معمولی است، مثلاً
حفاظت تمشک‌های درخت بر پوست درخت است. همین طور
گل و میوه و غله جات هم غلافی دارند تا چیز اصلی در آن محفوظ ماند. اگر
شخصی نادان غلاف تمشک را بی فائده شمرده بکند و بینگند، ظاهراً است که درخت
بزودی خشک گردد. همین طور تشکی نیست که رسومات مذهبی در نظر شخصی
نادان عام معمولی مینماید ولی دانشمند داند که اندرین غلافهای رسوم
درخت عفا ندهد و ایمان چگونه محفوظ است و تا وقتیکه میوه بر درخت موجود
است برای رسیدن و حفاظت میوه پوست چه قدر اهمیت دارد.
ازین مثال ظاهراً است که اگر رسوم مذهبی نباشد عقیده از بین خواهد
رفت.

(ب) رسومات مذهبی ما یکسری صحیح و برحق و صداقت مبنی است؛
چرا که اینها هم مطابق امر و فرمان امام زمان علیه السلام است و یاسند

تصدیق شان درباره آنها موجود است ، و امام بر حق از جانب خدا و رسول
مختار دین اند ، پیرا که ایشان نه فقط فرمان گزار خدا و رسول اند بلکه
من حیث اولوالامر خود ایشان هدایت هم میکنند ، لذا در حقانیت
رسومات مذهبی ما قدر ذره ای هم شک نیست -

(ج) این حقیقت است که اصل و اساس تشریح رسومات
جائز و مناسب ملکی و ملی است ، مراد اینست که وقتی که شریعت را
ساختند رسومات مفید و جائز (قبل از اسلام) را در نظر گرفته بودند ،
نیز اگر تغییر و تبدلی در گوشه ای از شریعت می آید به سبب تغییر و تبدل
در رسم و رواج می آید - در مجموع کنید به کتاب «اسلام - دین آسان»
و «اجتهادی مسائل» از مولانا جعفر بچلواری ،

(د) مراد از ناندی (منادی) شرکت کردن است در کاری
نیکو ، و این رسم عین مطابق تصور مسابقت است در دین اسلام -
بطوریکه در قرآن است : **و یسارعون فی الخیرات** -
یعنی و در نیکو کاری میشتابند (۱۱۴) یعنی گوش میکنند در نیکو کاری سبقت گیرند ، نیز
ارشاد است : **اولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها**
سابقون یعنی چنین بندگانی در خیرات شتاب میکنند و ایشان هستند
که بکارهای نیکو سبقت میجویند (۲۳/۴۱) نیز فرموده شده است :
فاستبقوا الخیرات یعنی پس بکارهای نیکو سبقت گیرید (۵۴)
در کارهای نیکو سبقت گرفتن ، تظاهر ایشا را و قربانی کردن و به حسن عمل

خود دیگران را به نیکوکاری ترغیب دادن، همگی از تعلیمات قرآنی است. بنا برین بعضی ازین کارها در جماعت خانه انجامیده می شود تا صورت عملی دین همواره پیش جماعت ماند، بطوریکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اکثر و بیشتر در مسجد اعلان می فرمودند که برای فلان کار ضرورت قربانی مالی است صحابه کبار رضوان الله علیهم در آن شرکت میکردند و از یکدیگر سبقت میگرفتند.

تا چه اندازه جماعت اسماعیلی بر صلوٰة عمل میکنند و نزد
صلوٰة ایشان مفهوم صلوٰة چیست؟

جواب: (۱) معنی صلوٰة نماز، دعاء، رحمت و درود است، چنانچه در قرآن جایکه صلوٰة در معنی دعاء، رحمت و درود آمده است در معنی آن هیچ ابهامی نیست، ولی جایکه این بمعنی نماز آمده است آنجا ازین آن نماز هم مقصود است که در آن رکوع و سجود نیست؛ مثلاً نماز جنازه و نماز پندگان (۹/۸، ۲۴/۴۱). جایکه صلوٰة در معنی نماز آمده است ما آن نماز را نه فقط در ماضی برپا کرده ایم بلکه در حال هم نمونه عملی، ثمره و حکمت تادیلی اش در مذہب ما موجود است و جایکه صلوٰة در معنی دعاء آمده است آن دعاء را همواره مادر جماعت خانه میخوانیم. بعبارت دیگر عبادت و بندگی ای که مادر جماعت خانه میکنیم اگر به اعتباری دعاء است به اعتبار دیگر نماز هم است چنانکه معنی صلوٰة هم دعاء و هم نماز است، چرا که درین روح و غرض غائی

نماز یکی موجود است (برائے تفصیل این موضوع رجوع کنید به کتاب گلستان حدیث، از مولانا محمد جعفر شاه پهلوان اردی)

(ب) برای اینکه بدانیم تا چه وقت روح و مقصد نمازی تواند بجای ماند آیت ۲۳۹ سوره بقره بنظر غائر بینیم، ترجمه آیت اینست: «اگر شمارا بیم خطری از دشمن باشد - بهر حال میسر است پیاده و یا سواره نماز بجای آرید» - حالا درین صورت ظاهراً است که هر چند که تمام آداب ظاهری نماز تقریباً ساقط شده است اصلیت و حقیقت و مقصد نماز بجای خود برپا است چرا که در صورت ادای نماز در پیادگی و سوارگی نه اتمام شرط قبله ممکن است و نه رکوع و سجود - آری درین شکلی نیست که این نماز خوف است و کسی میتواند گفت که این حالت مجبوری است، ولی در اصل این مجبوری نیست بلکه یک نوع آسانی است در دین، و این ثبوت این حقیقت هم هست که نماز چندین قسم دارد و خلاصه این همه اقسام دعاء و ذکر الهی است که در آن روح عبادت و جوهر حصول مقصد پنهان است - همین سبب است که در نماز خوف آن همه آداب ظاهری نماز ساقط شده است که بدون آنها هم میتواند روح و مقصد نماز برجا بماند - اکنون صورت چنین نمازی تقریباً بماند دعاء و تسبیح و ذکر الهی می شود - درین معنی گفته بودم که عبادتی که در جماعت خانه بجا آورده می شود نه فقط دعاء است بلکه یک نوع

نماز هم است -

این حقیقت را باید همواره در نظر گرفت که خدای تعالی برای مسلمانان آسانی و سهولت میخاهد و دشواری و سختی نمی خواهد - چنانچه ارشاد ربانی است در قرآن: **يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (۱۸۵)** ولی اینجا سؤال پیدا می شود که اگر حق تعالی در بجا آوردی احکام دینی آسانی و سهولت میخاهد و هیچ دشواری نمی خواهد آنگاه چه چیزی است که در ظهور فعل مشیت و قدرت او مانع شده است؟ و برای حصول چنین رحمتی عظیم بندگان را چه باید کرد؟ جواب این سؤال هم در خود قرآن پیدا است، چنانچه فرمان خداوندی است: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا** یعنی و هر که خدا ترس باشد خدا کار او را آسان میگرداند (۴۵) باید که فراموش نکنید که این ارشاد زمانه نبوت است و درین ارشاد بشارت است که آن تکسائیکه در بجا آوردی احکام دینی خوف خدا و تقوی را ملحوظ نظر دارند برای ایشان در آینده در دین آسانیهها و سهولتیهها میسر خواهد شد، چرا که در عبادات و معاملات جایکه دشواری و ریاضت و محنت است غیر از تقوی مقصد دیگری نیست - و تقوی هر چیز است - بطور تشریح و توضیح این مقصد مذکور شده است: **سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا** یعنی خدا بزودی بعد هر سختی آسانی پیدا خواهد کرد

(۶۵) یعنی از باطن شریعت طریقت و از باطن طریقت حقیقت ظاهر خواهد کرد، سپس از تنزیل از حکمت‌های تاویل آگاه خواهد کرد. چرا که بزرگ‌ترین سهولتها و آسانیه‌ها همین است و دلیل این آن آسانیه‌های کوچک است که هر مسلمان نیکوکار در زندگی روزانه خود تجربه می‌تواند کرد، مثلاً در بجا آوردی و پابندی هر نوع عبادت و ریاضت سپس از دشواری احساس مدد و یاری خدا تعالی شدن، بتدریج بسوی نیکی و تقوی بیش از پیش متوجه شدن و غیره.

(ج) من سخنان جناب پهلواردی را خیلی دوست دارم. ایشان در کتاب "گلستان حدیث" خود بر صفحه ۵ تحت عنوان "چند کلمات نماز" می‌نویسند: "ما معمولاً نماز را چیز سفت و جامد می‌پنداریم که کلماتش معین و حرکاتش مقرر است. درین سکی نیست که بهترین طریق ادای نماز آن است که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم فرموده اند ولی این درست نیست که گوئیم که طرق دیگر باطل است. از آدم تا مسیح بلکه تا حضرت محمد نماز ما اینکه پیغمبران بجای می‌آوردند آن همه نماز بود هر چند که طرق ایشان مختلف بود و صورت‌های نماز شان جدا گانه بود ولی روح، هکی یکی بود و فی الحقیقت مطلوب و مقصود همین روح است نه شکلی مخصوص، و قینکه این نماز با جماعت بجا آورده می‌شود نظم و ضبط بالضرورة مقتضی است که در نماز همه یکسانی باشد، ولی اگر در نماز شخصی ذوق و شوق بر آداب ظاهری و بر

طریق عام غالب آید موجب هیچ نقصانی نمی شود بلکه بعضی اوقات در خود نماز جماعت هم اختلاف معمولی ای باعث ضرر نمی شود پس از این حقیقت بیانی چیز دیگری نمی ماند که قابل ذکر باشد.

سؤال ۸- چرا در جماعت نماز عبادت مرد وزن در یک جا

جواب (ا) شما باید یک آیت قرآنی بنمایند یا بخوانند که در آن فرموده شده است که این طریق عبادت حرام است و یا ممنوع و مکروه است، و یا ثابت کنید که در عهد مبارک رسول اللہ زنان مسلمان در مسجد نمی رفتند.

(ب) آداب و ارکان اسلام نه فقط برای مردان است بلکه برای زنان هم هست، آنانیکه میخواهند که زنان را از حیای عبادت برای آن دور دارند که از سبب حضورشان نفس اماره بیشتر سرکشی میکند ایشان باید که تارک الدنیا شده در جنگلی روند، چرا که خلل در عبادت فقط از وجود زنان پیدا نمی شود بلکه بسیار چیزهای دیگر است که محل عبادت می شود، و علاج این هم مجاهده نفس و تقوی است، یعنی خلافت نفس اماره به باد کردن و پرهیزگاری اختیار کردن است نه که یکی یا بعضی از این چیزها را از دنیا بیرون کردن.

درجات اسلام

دین اسلام صراطِ مستقیم است یعنی راهِ راست، ظاهراً است که هر
 راه طویلی چند منازل دارد، چنانچه راه اسلام چهار منزل دارد که آنها را
 شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت گویند، ما می توانیم این چهار
 منازل را چهار درجات هم بگوئیم. در اینجا باید که همواره این اصول را به
 یاد داشت که هر یکی از این درجات کم و بیش دارای اجزای سه درجه
 دیگر هم هست. مثلاً منزلی را که حقیقت گویند نمی تواند خالصه حقیقت
 باشد، بنا برین بر طبق اندازه ای منزل حقیقت دارای اجزای سه
 درجه شریعت، بست و پنج درصد طریقت و بست و پنج درصد
 معرفت هم می باشد همین مثال شامل احوال سه درجه دیگر هم هست
 که آنرا ما در نقشه ذیل نموده ایم.

اجزای چهارگانه درجات اسلام

| شمار | منازل | شریعت درصد | طریقت درصد | حقیقت درصد | معرفت درصد | جمع |
|------|-------|---------------|---------------|---------------|---------------|-----|
| ۱ | شریعت | ۴۰ | ۲۵ | ۲۰ | ۱۵ | ۱۰۰ |
| ۲ | طریقت | ۲۵ | ۳۰ | ۲۵ | ۲۰ | ۱۰۰ |
| ۳ | حقیقت | ۲۰ | ۲۵ | ۳۰ | ۲۵ | ۱۰۰ |
| ۴ | معرفت | ۱۵ | ۲۰ | ۲۵ | ۴۰ | ۱۰۰ |